



محمد رضا ثقفی
instagram: mohammadreza.saghafi8
کارتنیست ***

تماشاخانه

وزیر نیرو

گرمای هوا و تولید رمز ارز عامل خاموشی‌های اخیر است



شهر ونگ

*** امیرمسعود فلاح

باز اگر نشد بگوید آمده‌ام اندازه وضع موجود را نشان‌تان بدهم، اگر نشد خب اندازه وضع مطلوب شاید بهتر باشد. نشد، حجم وضع موجود، یا اصلا حجم وضع مطلوب. خلاصه یک چیزی نشان مردم بدهد که جذاب، دلربا، شورآفرین، قانع‌کننده، جریان‌ساز و درنهایت رای آور باشد. کلیشه‌ای نباشد و یک چیز متفاوتی باشد. هرکی از راه می‌رسد فقط رنگ و صدا، پس دیگر خواص ماده چی؟ باید کاری کرد که سلیقه‌های مختلف بویایی، چشایی، رنگایی، گوشایی، سائیزی و حجمایی قانع و جذب شوند. یک کمی خلاقیت در تبلیغات هم بد نیست.

نمی‌کند؟ مثلا بگوید من آمده‌ام که حاج وواج بایستم فقط نگاه کنم به این تپه‌ها؟ اتفاقا احتمال رای آوری همچین کسی بیشتر از کسیست که بخواهد تپه‌های کشور را گل کاری کند. یا مثلا یکی بگوید آمده‌ام که بوی وضع موجود باشم. یا اگر وضع موجود بوی خیلی بد و ضایعی داشت بگوید آمده‌ام که بوی وضع مطلوب باشم، شاید آن قابل تحمل تر بود. باز اگر بوی وضع مطلوب هم زیاد تعریفی نداشت بگوید آمده‌ام طعم وضع موجود را بدهم. اگر رای منفی اش با رای مثبت بقیه رقباش برابر شد انوقت بگوید آمده‌ام طعم وضع مطلوب را برای شما بدهم.

آزادراه

داستان مرد دانا و اجرای طرح حک کردن نعل اسب بر جای جای مردم



وحید میرزایی
*** طنزنویس

همان میدان نعل اسبی را داغ کرده و در نیم تنه پایینی اش حک کنید. «بزرگان از تعجب انگشت به بینی مانده و گفتند «این کار چه سودی دارد جز ناراضیاتی آحاد مردم؟» مرد دانا عصبانی شد و گفت «ببندید دهان گشادتان را. خودتان خواهید دید چه می‌شود و سپس بی هیچ واهمه تصمیم و کار بزرگ‌تان را اجرایی کنید؟ الان هم کم شید برید بیرون.» بزرگان شهر گم شده و بیرون رفتند. سپس بخشنامه داغ کردن نعل اسب بر نیم تنه پایینی مردم در میدان اصلی شهر ابلاغ کردند. در روز اول اجرای طرح هدفمندی نعل اسب، تعدادی از مردم اعتراض کردند و گفتند «این چه نحوه اجرای طرح است؟ مگر مردم شهر ولی نعمت شما نیستند؟ وای بر شما. چرا برای جلوگیری از ازدحام در میدان اصلی، طرح را زوج و فرد انجام ندادید؟» دیگری گفت «بهتر بود قبل از اجرای طرح، سامانه‌ای برای ثبت نام راه‌اندازی می‌شد تا هر کس در روز مقرر برای حک نعل اسب داغ به میدان اصلی شهر مراجعه کند.» دیگری هم گفت «متأسفانه کیفیت نعل اسب‌ها اصلا مناسب نیست و جایش می‌سوزد.» یکی از اهنگران شهر هم با دریافت وام زود بازده، خط تولید نعل اسب را راه‌اندازی کرد. «در نهایت پس از یک ماه تمامی مردم شهر با رضایت تمام بر روی نیم تنه پایینی شان نعل اسب گذاخته حک گردید.» پس از اجرای این طرح، بزرگان شهر در جلسه‌ای ضمن تشکر از دست‌اندرکاران طرح هدفمندی حک نعل اسب بر نیم تنه پایینی مردم شریف شهر، با ابراز خرسندی از واکنش‌های مردم، پروژه بزرگ خود را کلید زدند.

روزی مرد دانا که مدت ها بود کنج عزلت گزیده بود همچون همیشه نشسته و لختی در خود فرو رفته بود که ناگافل صدای دق الباب شنید. غلام در را گشود و تعدادی از بزرگان و والیان شهر به نزد مرد دانا آمدند. مرد دانا با آهی سرد از سردرد گفت که «چند سال است سراغی از ما نمی‌گیرید حال چه شده تشریف فرما شده‌اید؟ باز کارتون گیر کرد؟» یکی از بزرگان شهر گفت «نفرمایید ای مرد دانا. ماهواره به یاد شما بوده و هستیم. راستش مشکلی پیش آمده که فقط شما قادرید گر از آن یگشایید.» مرد دانا گفت «همون. کارتون گیر کرده پس. بنالید ببینم چه شده.» یکی دیگر از همراهان گفت «ای مرد دانا کاری بزرگ و تصمیمی مهم برای شهر داریم اما نمی‌دانیم مردم شهر آن را برمی‌تابند یا نه. نپرسید چه کاری که معذوریم از بیانش. فقط نگران تبعات آن در جامعه و ری اکشن‌های مردم شهریم. نزد شما آمده‌ایم تا راهکاری برای برون رفت از بحران‌های احتمالی پیش روی ما بگذارید.» مرد دانا گفت «تو کیستی؟ چه لفظ قلم سخن می‌رانی؟» گفت «حقوقدان و مشاور عالی بزرگان شهر در امور خاور دور از دانشگاه جرجیا» مرد دانا لختی در خود فرو رفت و گفت «بی هیچ سوال بروید و در میدان اصلی شهر هر کسی از مردم شهر از آنجا عبور می‌کند را بگیرید و در

پیرا را گفتم؛ به‌ما شد عرصه تنگ | توی دنیای پراز اندوه و جنگ
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟ | خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون
شماره هزار و دویستم



اینستاگرام شهر ونگ: instagram.com/shahrvang1 | ایمیل شهر ونگ: shahrvang1@gmail.com

شهر ونگ

صفحه ۸

دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۰
سال نهم | شماره ۲۲۲

می‌توانید QR Code زیر را
با گوشی اسکن کنید



سنگ مفت، حرف مفت!

حقوق

یک ابر خانه دار!



شهرام شهیدی
*** طنزنویس

سنگ اول:

یکی از کاندیداها گفته دولت ما «دولت اقدام و تحول» است و ما در آن دولت خانه داری را شغل می‌دانیم و به بانوان خانه دار حقوق خواهیم داد. با این وضع معیشتی و بیکاری فزاینده در کشور دیگر وعده حقوق دادن به زنان خانه دار خیلی شیرین و جذاب نیست. به نظرم کاندیداها باید شعارهایشان را جذاب تر و تودل برتر کنند؛ مثلا باید بگویند که «من به مردان خانه دار هم حقوق می‌دهم».

یکی از پشت پنجره می‌گوید خوش به حال تان که یک سقف بالای سرتان دارید. به ما که نه کار داریم، نه خانه‌ای داریم که خانه دار تلقی شویم، حقوق تعلق نمی‌گیرد؟

یک نفر دیگر هم از سر کوچه می‌خواست حرفی بزند که سردبیر بلند شد پنجره را بست و گفت: «شهیدی خودت که جواب اینها را نمی‌دهی. پس الکی پنجره را باز نگذار و شر درست نکن.»

سنگ دوم:

یکی از شهروندان با دفتر روزنامه تماس گرفته و گفته: «من هم بیکار هستم و ۱۸۳ واحد خانه دارم. با این حساب من یک ابر خانه دار محسوب می‌شوم. به خانه داری من ضریب شغلی تعلق می‌گیرد یا نه؟»

سنگ سوم:

به نظر می‌رسد وعده وعیدها و شعارهای تبلیغاتی کاندیداها کم‌کم داره شباهت زیادی به مهریه زنان پیدا می‌کنه؛ یعنی مثل کسانی که وقتی می‌روند خواستگاری تا خانواده عروس خانم می‌پرسند خب چقدر مهریه می‌کنید فوری جواب می‌دهند اندازه وزن عروس خانم طلا مهرش می‌کنیم. وقتی هم از شان بپرسی باباجان شما شپش در جیبیت کله معلق می‌زند، چطور می‌خواهی وعده‌ات را عملی کنی؟ می‌گویند: اوووو... حالا مهریه را کی داده؟ کی گرفته؟

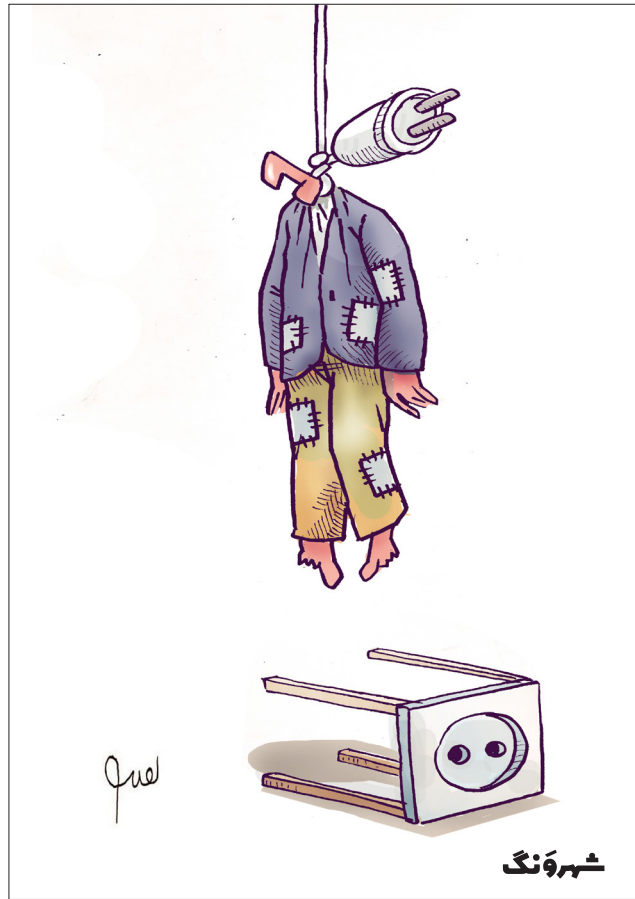
خلاصه این یارانه‌های نجومی را هم که کاندیداها وعده می‌دهند کی داده؟ کی گرفته؟

سنگ چهارم:

یک نماینده مجلس هم گفته که بعضی عرصه انتخابات را مانند مثل سنگ مفت و گنجشک مفت می‌بینند. همین ها بعدا کم کم پاتوی کفش ما خواهند کرد و با گفتن حرف مفت سنگ مفت، این ستون فکسنی را از جنگ ما در می‌آورند. به ما ثابت شده هر که وعده شیرین تری داده دست بگیرش بهتر بوده. از ما گفتن بود.

شهر فرنگ

حسین نقیب *** کارتنیست



شهر ونگ